



شرح دعای سی و پنجم صحیفه سجادیه

در رضا به تقدیر الهی

نویسنده و محقق: فاطمه پورشفیعی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تابستان ۹۷

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرِّضَا إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا

در رضا به تقدیر الهی:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رِضَى بِحُكْمِ اللَّهِ ،

سپاس خدایی را که رضایتمندی به قضای خودش را نصیب کرد.

دو نوع قضا وجود دارد:

۱- قضای حتمی که در مخزن غیب پوشیده است و تبدیل بردار و تغییرپذیر نیست، زیرا عالم غیب از هرگونه حرکتی محفوظ است.

۲- قضای غیرحتمی که متعلق به افعال بندگان است و تغییرپذیر می‌باشد.

راضی بودن به قضای الهی و تسلیم بودن در برابر مقدرات الهی، مقامی بس رفیع است که ناشی از اعتقاد کامل به خدا و حکمت اوست. از آنجا که خداوند انسان را خلق کرده و می‌داند خیر و صلاح او در چیست و ظرفیت او چقدر است، متناسب با آن اموری را برای او مقدر نموده که بر اساس حکمت است و همین، سبب آرامش در روح می‌گردد.

مسأله قضا و قدر همان مشیت الهی است که در نظام هستی، هر چیز را با محاسبه دقیق و معین به طور قانونمند در چارچوب نظام علت و معلول قرار داده است. شناخت صحیح مشیت خداوند و خواست انسان، مبتنی برداشتن تصور صحیح از مشیت خداوند در نظام جهان و انسان است. تردیدی نیست که هیچ رخدادی در جهان، جز به مشیت خداوند اتفاق نمی‌افتد.

اما برگگی که از درخت ساقط می‌شود و یا کاری که از انسان سر می‌زند، هر دو به مشیت خداوند است چگونگی جریان مشیت در این دو تفاوت دارد؛ زیرا انسان تفاوتی عمده و اساسی با دیگر موجودات دارد و آن اینکه دارای اختیار است.

شَهَدْتُ أَنَّ اللَّهَ قَسَمَ مَعَايِشَ عِبَادِهِ بِالْعَدْلِ ،

گواهی می‌دهم که همانا خداوند روزی بندگانش را عادلانه تقسیم می‌کند.

وَ أَخَذَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالْفَضْلِ

و گواهی می‌دهم به اینکه جمیع خلقش را از فضل خود بهره می‌دهد.

رضایت از زندگی چیست؟

رضایت از زندگی قلبی است و بعد از این باور اثرات حاصله از آن بیرونی می‌شود و همه رضایت از زندگی را در چهره فرد می‌بینند.

ممکن است انسان برخوردار از همه نعمتها و نیازهای مادی باشد ولی رضایت از زندگی نداشته باشد.

ما رضایت از زندگی را که یک امر درونی است به بیرون سرایت می‌دهیم. آنچه ما نسبت به آن فقر داریم «رضایت» است. نارضایتی نه تنها به زندگی مادی ما ضربه می‌زند بلکه ارتباط ما با خدا را مخدوش می‌کند. همچنانکه در روایت آمده است: «اگر کسی حسد دارد به من خدا اعتماد ندارد.» مفهوم رضایت از زندگی می‌تواند انسان را به خدا نزدیک سازد و شخص را با همین اعتقاد وارد دنیای قیامت کند تا اینکه به او خطاب شود: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ؛ خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از او خشنودند (آیه ۱۱۹ مائده)». این مقام خیلی بالاست که به تو اهمیت داده‌اند که از خداوند راضی باشی. زمانی می‌گویی فلانی از من راضی است که یک عنوانی برایش قائل باشی. روند زندگی بشر به جایی می‌رسد که می‌شود «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ».

اگر کسی تدبیر داشته باشد و از مادیات و تکاثر و غلبه و اسم و رسم جدا شود پس هرنفوسش گوهری می‌شود تا او را به مقام رضا برساند.

ریشه مفهوم رضایت از زندگی در ارتباط عاشقانه با خداست، چنان‌که انسان از خداوند رضایت پیدا می‌کند. این رابطه بین دو انسان هم می‌تواند باشد اما شما می‌توانی آن را اعتلا بدهی و بالا ببری. اگر این رابطه بین ما و خدا برقرار شود سختی‌ها شیرین می‌شود. اگر آن حس در وجود انسان باشد سختی‌ها

برای انسان لذت است و مایه خوشبختی است. اما کسی که این رابطه را نداشته باشد خسته و دلمرده می‌شود. رضایت از زندگی ریشه در رضایت از خداوند دارد.

پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید: که انسان همیشه نباید به نعمت‌های مادی خود توجه و نگاه کند بلکه این نعمات دارای دو رو بوده و نعمات معنوی را نیز باید توجه کند نعماتی مانند دین دار بودن، متدین بودن، اعتقاد به خدا و محبت اهل بیت که بهترین ضامن برای آرامشی معنوی و مادی ما خواهد بود. (کافی ج ۲)

یکی از واقعیاتی که در مقابل همه ما می‌باشد ناهماهنگی میان انتظارها و واقعیات در زندگی ما می‌باشد چون انسان طالب راحتی و آسایش بوده و به دنبال کامجویی و برآوردن حاجات خود می‌باشد، از این رو دنیا را محل برآورده شدن این خواسته ها می‌دانیم و یا دست کم می‌خواهیم چنین باشد اما واقعیت این است که دنیا محل آسایش و راحتی نیست.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ... وَضَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّاسُ يَطْلُبُونَهَا فِي الدُّنْيَا فَلَا يَجِدُونَهَا»

آسایش را در بهشت قرار دادم و مردم آن را در دنیا می‌جویند، پس آن را می‌یابند. (ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالي اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۴، دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۹)

چون راحتی را در این دنیا می‌طلبیم در حالی که این دنیا، باید تلاش کرد و وقتی این تلاش را با راحتی در تضاد می‌بینیم ناهماهنگی میان انتظارها و واقعیات ایجاد می‌شود و احساس ناکامی می‌شود.

لذا باید سختی‌های زندگی را به عنوان یک واقعیت پذیرفت و موقعیت‌های ناخوشایند را مهار و مدیریت کرد. نباید در برابر سختی‌ها ایستاد بلکه باید در کنار سختی‌ها قرار گرفت. قرار گرفتن در کنار سختی‌ها، امکان مدیریت و مهار آنها را به وجود می‌آورد.

منظور از پذیرش سختی، تسلیم شدن در برابر مشکل نیست؛ بلکه مقصود، پذیرش صحیح و پویاست که در این نوع از پذیرش فرد بهترین رویارویی با موقعیت پیش آمده را انتخاب می‌کند.

- درک همراهی خدا با انسان

هنگام بروز سختی‌ها و گرفتاری‌ها، آدمی گمان می‌کند که خداوند او را فراموش کرده است. و این سوالات به ذهن او می‌آید:

اینکه چرا این همه مصیبت برای من چرا؟

خدا یا! شما عادل هستی و همگان را دوست داری اما چرا منو فراموش کردی؟

این تصور احساس تنهایی و بی‌یاوری را در پی دارد؛ اما واقعیت این است که خداوند همواره همراه انسان است، باور به این حقیقت به امید و توان آدمی می‌افزاید.

در نتیجه اگر ما بتوانیم اولاً به نعمت‌هایی که خدا در اختیار انسان قرار داده را مورد نظر بگیریم همچنین یک همسویی با واقعیات زندگی یعنی زندگی را با راحتی اشتباه نگیریم و در کنار مشکلات خود خداوند را یار و یاور خود بدانیم موجب رضایتمندی در زندگی خواهد شد.

### فراز دوم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ لَا تَفْتِنِّي بِمَا أُعْطَيْتَهُمْ ،

بار الها با درود بر محمد و آل محمد ، به سبب آنچه به من عطا کردی مسرور و شاد نگردم.

وَ لَا تَفْتِنَّهُمْ بِمَا مَنَعْتَنِي فَأَحْسَدُ خَلْقَكَ ، وَ أَغْمَطَ حُكْمَكَ

و به سبب آنچه بر من باز داشتی غمگین و آشفته نشوم ، به خلقت حسد نبرم . و حکمت تو را خوار نشمارم.

### فراز سوم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ طَيِّبْ بِقَضَائِكَ نَفْسِي ،

بار الها: با درود بر محمد و آل او؛ نفسم و وجودم را به قضای خود خوش کن.

وَ وَسَّعْ بِمَوَاقِعِ حُكْمِكَ صَدْرِي ،

و سینه ام را در برابر حکمت خود تنگ مگردان بلکه آنرا وسعت ده.

وَ هَبْ لِي التَّقَةَ لِأَقْرَبَ مَعَهَا بِأَنَّ قَضَاءَكَ لَمْ يَجْرِ إِلَّا بِالْخَيْرِ ،

یقین مرا محکم کن تا اقرار کنم که قضای تو جز به حکمت و خیر جاری نمی شود.

وَ اجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي

در برابر آنچه به من عطا نکردی شکر نعمت خودت را بیشتر از آنچه که به من ارزانی داشتی عطا فرما.

باید انسان به این نقطه از معرفت و ارتباط با خدا برسد که نسبت به نداده‌ها شکر بیشتری بکند. این شکر تمام نمی‌شود. این یک نقطه‌ای است که آدم باید به آن برسد که پنجره جدیدی را به روی انسان می‌گشاید.

وَ اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَظُنَّ بِذِي عَدَمٍ خَسَاسَةً ،

مرا حفظ کن از این اندیشه که بی‌نوایی را پست و خوار انگارم.

أَوْ أَظُنَّ بِصَاحِبِ ثَرْوَةٍ فَضُلًا ،

یا ثروتمندی را بزرگ و ارجمند شمارم.

فَإِنَّ الشَّرِيفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُكَ ،

همانا شرافت در جایی است که شخص از راه اطاعت تو آنرا کسب می کند.

وَ الْعَزِيزَ مَنْ أَعَزَّتْهُ عِبَادَتُكَ

و عزیز کسی است که بندگی تو را عزت شمارد.

## فراز چهارم:

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ مَتَّعْنَا بِثَرْوِهِ لَا تَنْفَدُ ،

با درود بر محمد و آل او، ثروتی به من عطا فرما که پایان نپذیرد (این ثروت علم است، علم معارف، علم خدانشناسی و کسب مهارت‌های زندگی تا اعتقاد در زندگی سالم ماند و روز به روز رشد و نمو نماید و از سرخوردگی و خواری دور سازد. علم، مهارت‌های زندگی را افزایش می‌دهد. علم مفید، انسان را در دنیا و آخرت عزتمند می‌کند)

دو عامل مهم در تحصیل رضا نقش اساسی دارند: ۱- معرفت الهی ۲- محبت الهی

بعد از شناخت خدا و کسب معرفت الهی باید آموخت که چگونه محبت الهی را در دل و روح خود جای داد. با طاعات و عبادات و دوری از گناه و توجه به آنچه که خدا دوست دارد آسایش و آرامش در دنیا و آخرت برای بشر فراهم می‌شود. محبت الهی در شناخت حرام و حلال الهی است. محبت الهی در شناخت انبیاء و اولیاء الهی است. محبت الهی در شناخت سیره نبوی و سنت اوست.

وَ أَيْدِنَا بِعِزٍّ لَا يُفْقَدُ ،

عزتی به ما عنایت فرما که از دست نرود.

وَ اسْرَحْنَا فِي مُلْكِ الْأَبَدِ ،

ما را از ملک جاویدان و کامران برخوردار کن .

إِنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ ، الَّذِي لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ

که تویی یکتا و یگانه و بی نیاز که نه فرزندی داری و نه فرزند کسی بودی و مانند تو وهم کفو تو احدی نیست.

والسلام على من اتبع الهدى